جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یک‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ - ۸ شعبان ۱۴۴۵
سال بیست‌وپنجم- شماره ۶۹۷۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

اصلاح‌طلبان پیش از انتخابات یکدیگر را رد صلاحیت کردند!

● علی علوی

تحلیلی بر تبلیغات غیررسمی زودهنگام جناح‌های سیاسی در قالب نقد یکدیگر

■ پروپاگاندای حزبی و غیررسمی انتخابات اوج گرفته است و اصلاح‌طلبان ناخواسته یا هوشمندانه با بیانیه ۱۱۰ نفر و تحلیل‌های بعد از آن، فضای رسانه‌ای را در دست گرفته‌اند. و این برای آنها که به اعتراف همین بیانیه و تحلیل دیگر اعضای جبهه اصلاحات، فاقد پایگاه اجتماعی هستند، فرصت مغتنمی برای جلوه‌گری فراتر از ظرفیت واقعی پایگاه‌شان است. اصولگرایان نیز همچنان مشغول دسته و بسته و سهم‌بندی‌های معمول هستند. در این‌میان، اصلاح‌طلبان پیش از انتخابات در حملاتی یکدیگر را فاقد صلاحیت و فهم واقعیت‌های سیاسی، ناکارآمد و نارسا، تمامیت‌خواه و «ضبط‌صوت‌هایی که فقط حرف خودشان را می‌زنند» نامیدند. انواع اتهامات بلشویکی و سخت و خشن که اصلاح‌طلبان دیروز تقدیم یکدیگر کردند، نوعی ردصلاحیت ضمنی بود که باید دید این ردصلاحیت‌ها موجب کاهش مشارکت است یا این یکی فرق دارد و خود عامل مشارکت بیشتر خواهد شد!

■ اصلاح‌طلبان اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته‌اند که یکدیگر را دور از هر نوع صلاحیت فکری و سیاسی می‌دانند. دستشان کوتاه است وگرنه به صغیر و کبیر خود برای رسیدن به پاشنه‌های دروازه قدرت هم رحم نمی‌کنند. بزرگ‌ترین فریاد واسلاما و واملکتای آنان در سه دهه حضور در قدرت، علیه نظارت استصوابی بوده است و حالا چنان تصفیه‌حساب‌های درون‌حزبی و درون جبهه‌ای خود را سختگیرانه به پیش می‌برند که یکی دیگری را به ضبط‌صوتی فاقد درک متقابل تشبیه می‌کند و دیگری همه دیکتاتورهای تاریخ را از استالین تا منافقین ردیف می‌کند تا بتواند توصیفی هرچند ناقص اما قابل‌فهم از میزان قلع و قمع و خشونت درون گروهی اصلاح‌طلبان به خواننده ارائه دهد. این سرنوشت اصلاح‌طلبی در زمانه‌ای است که با کنار گذاشتن الفبای عقلانیت، دو چیز ناسازگار و متناقض‌نما را باهم فریاد می‌زنند: اول اینکه ما پایگاه اجتماعی نداریم. دوم اینکه بدون ما مملکت به جایی نمی‌رسد!

پروپاگاندای حزبی و غیررسمی انتخابات اوج گرفته است و اصلاح‌طلبان ناخواسته یا هوشمندانه با بیانیه ۱۱۰ نفر و تحلیل‌های بعد از آن، فضای رسانه‌ای را در دست گرفته‌اند. و این برای آنها که به اعتراف همین بیانیه و تحلیل دیگر اعضای جبهه اصلاحات، فاقد پایگاه اجتماعی هستند، فرصت مغتنمی برای جلوه‌گری فراتر از ظرفیت واقعی پایگاه‌شان است. اصولگرایان نیز همچنان مشغول دسته و بسته و سهم‌بندی‌های معمول هستند. در این‌میان، اصلاح‌طلبان پیش از انتخابات در حملاتی یکدیگر را فاقد صلاحیت و فهم واقعیت‌های سیاسی، ناکارآمد و نارسا، تمامیت‌خواه و «ضبط‌صوت‌هایی که فقط حرف خودشان را می‌زنند» نامیدند. انواع اتهامات بلشویکی و سخت و خشن که اصلاح‌طلبان دیروز تقدیم یکدیگر کردند، نوعی ردصلاحیت ضمنی بود که باید دید این ردصلاحیت‌ها موجب کاهش مشارکت است یا این یکی فرق دارد و خود عامل مشارکت بیشتر خواهد شد!

■ نه واقع‌گرایید، نه آرمانی

عباس عبدی امضاکنندگان بیانیه ۱۱۰ نفر را با این توصیف که «این دوستان پس از رد صلاحیت مرحوم هاشمی همه‌شان به کنجی خزیده بودند»، و «حضور برخی افراد غیرسیاسی در میان آنان موجب تعجب گردید»، متهم می‌کند که خودشان مصداقی از عیبی هستند که در متن بیانیه به جبهه اصلاحات [و اصلاح‌طلبان رادیکال] گرفته‌اند: «خودتان مصداق مقوله دوم [واقع‌گرایی بی‌آرمان] هستید. حتی بالاتر اینکه واقع‌گرا هم نیستید. نه واقع‌گرا هستید و نه دارای آرمان.» آقای عبدی از این هم فراتر رفته و سابقه تندروی‌های امضاکنندگان بیانیه را که بیانیه‌ای علیه تندروی اصلاح‌طلبان ساختاری به حساب می‌آید، یادآور می‌شود: «برخی از این دوستان محترم وقتی پایش بیفتد در تندروی بی‌پروا عمل می‌کنند، از جمله در همان روزهای اول اعتراضات ۱۴۰۱ در میان تعجب همگان هشتگ‌های آنچنانی می‌زدند و از اولین بازداشت‌شدگان بودند و روانه زندان شدند حالا چگونه دیگران را به میانه‌روی دعوت می‌کنند؟!»

در آن سوی ماجرا اما محمد قوچانی در حمایت از اصلاح‌طلبان مشارکت‌جو، با حمله‌ای تند به جبهه اصلاحات و همین دسته و گروه آقای عبدی، آنان را متهم به نافهمی و بی‌عدالتی و ناکارآمدی می‌کند: «بیانیه ۱۱۰ چهره اصلاح‌طلب میانه‌رو و توسعه‌گرا برای روزنه‌گشایی در کشور نشان از ناکارآمدی و نارسایی نهادهای سیاسی موجود در جریان اصلاحات به‌خصوص جبهه اصلاحات دارد. جبهه اصلاحات با آرایش کنونی آن فاقد ساختار مناسب برای برقراری عدالت میان آرا و عقاید سیاسی اصلاح‌طلبانه در کشور است.»

آقای عبدی علاوه‌براین امضای برخی افراد با سابقه فعالیت فکری و روشنگری و بدون کنشگری سیاسی را در این بیانیه «ضربه سنگینی به رویکردها و فعالیت روشنگری آن افراد» می‌داند و به‌این‌ترتیب تلویحاً بیانیه اصلاح‌طلبان را امری سیاه و تاریک معرفی می‌کند.

■ تناقضات بی‌پایان عبدی

عبدی البته در تناقضی آشکار، ابتدا خود را «همواره موافق مشارکت و همیشه مخالف تنش و تقابل» معرفی می‌کند اما بلافاصله امضاکنندگان بیانیه را «شریک مشروعیت یا مقبولیت‌دادن به سیاست‌ها[ی موجود]» می‌نامد زیرا با امضای این بیانیه، سیاست‌گذاران «به این حقیقت می‌رسند که هر کاری کنند عده‌ای هستند که لبیک بگویند»! و تأکید می‌کند که همین اعتراض را به خاتمی هم داشته است، یعنی نباید کاری کنید که به سیاست موجود مشروعیت بدهید. از طرفی همین آقای عبدی که طرفدار مشارکت و مخالف تقابل است، بیانیه میانه‌روها را مستمسکی می‌داند که «اندکی هم به آرایی که [جناح حاکم] شدیداً نیاز دارند اضافه می‌کند و شور و شوقی به انتخابات می‌دهد». حال چگونه آقای عبدی هم طرفدار مشارکت است و هم از بیانیه‌ای که به زعم او اندکی به مشارکت می‌افزاید، عصبانی است، از پارادوکس‌هایی است که جناب عبدی همواره به آن دچار است و از آن، نه بیم دارد و نه خنده‌اش می‌گیرد!

از تناقضات بی‌پایان آقای عبدی یکی دیگر هم این است که از هجوم مردم در سال ۱۳۹۶ به صندوق‌های رأی اظهار شگفتی می‌کند اما توضیح نمی‌دهد کدام ایرادی که الان به نظام می‌گیرد، از نظارت استصوابی تا بقیه چیزها در سال ۹۶ نبود و الآن هست؟! او می‌گوید: «مگر در سال ۱۳۹۶ کسی را دعوت کردند که بیاید رأی بدهد؟ در ساعت ۱۲شب فقط حدود ۳میلیون نفر پشت درهای حوزه‌های رأی‌گیری ماندند و تمام دستگاه‌های تبلیغاتی آن سوی مرزها و مخالف ایران نیز بوق تحریم می‌نواختند، و جالب اینکه مردم به کسی رأی می‌دادند که ۳۹ سال در مهم‌ترین بخش‌های همین حکومت عهده‌دار مسئولیت بود. یعنی این مردم حتی به این حد هم راضی بودند که کسی از خود حکومت را با چنین استقبالی رأی دهند، پس چرا الآن و در سال ۱۴۰۰ این همه خواهان رأی‌دادن مردم شده‌اند؟» آقای عبدی حقیقتاً مخاطب خود را مشتی گول و نادان فرض می‌کند و علت تفاوت سال ۹۶ و اکنون را در این می‌داند که «خب مردم می‌گویند که بارها رأی دادیم چه شد؟ حتی برجام را که به سود حکومت بود تحمل نکردند»! این حد از بدآموزی سیاسی نوبرانه است. در زمانه‌ای که کل سران اروپا و تحلیلگران سیاسی جهان، اعتراف می‌کنند که ایران پای برجام ایستاده بود (و هنوز هم ایستاده است) و این ترامپ و امریکا بودند که با انگیزه باج‌خواهی بیشتر از برجام بیرون رفتند و در میان این حقیقت که بارها مسئولان بانک مرکزی و وزارت خارجه در دولت محبوب آقاق عبدی اذعان کرده‌اند که بعد از برجام، اوباما به تعهدات امریکا عمل نکرد و برجام «تقریباً هیچ» بود، حالا تحلیلگر ارشد اصلاح‌طلبان مخاطب خود را آن‌قدر نادان و فراموشکار فرض می‌کند که مشتی «بحث داخل تاکسی» را به‌عنوان تحلیل، تحویل روزنامه اعتماد می‌دهد.

عبدی درجای دیگری پاسخ به اینکه امضاکنندگان بیانیه گفته‌اند می‌خواهند «هدف و برداشت خودشان از رأی دادن را معنا و تحمیل کنند» حرفی می‌زند که نشان می‌دهد تا چه اندازه از مشارکت‌جویی و احترام به انتخابات به‌ماهو انتخابات فاصله دارد: «من قبول دارم که معانی رفتار می‌تواند تا حدی متفاوت باشد، ولی این اندازه گل و گشاد هم نیست که رأی دادن را بتوان هر تفسیری کرد و هر معنایی را به آن بار کرد... کسی که این متن را منتشر می‌کند و متوجه معنای آن نزد دیگران نیست، حتماً یک جای کارش ایراد دارد. البته می‌تواند متوجه این معنا باشد و صریحاً از آن دفاع کند، ولی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و حتی رد کند.»

■ دعوای فرامرزی بر سر کنشگری مرزی

با آنکه آقای عبدی در نوشته خود نویسنده کتاب کنشگران مرزی را به خاطر امضای این بیانیه تخطئه می‌کند و می‌گوید با این کار موجب ابهام در این مفهوم (کنشگران مرزی) شده است، آقای قوچانی یادداشت خود را با همین عنوان «ظهور جنبش کنشگران مرزی» می‌نویسد و جبهه اصلاحات را به رفتار فراتر از مرزهای اصلاح‌طلبی متهم می‌کند که باسازوکار نامناسب کاری کرده‌اند که «احزاب اصلی و دارای گفتمان، تشکیلات، راهبرد، برنامه و رسانه از اثرگذاری در این جبهه ناامید شوند و در برابر احزاب سایه، ناگزیر از جست‌وجوی راه‌های گریز از مرکزیت آهنین جبهه اصلاحات و ایجاد تنفس‌گاه برای اقدام اصلاح‌طلبانه شوند.»

درواقع قوچانی اعتراف به ظهور قدرتی استصوابی، تصفیه‌گر و آهنین درون جبهه اصلاحات برای تعیین چارچوب رسمی‌شدن و قدرت‌یافتن احزاب اصلاح‌طلب می‌کند که توصیفی شبیه رفتارهای استالین و بلشویک‌هاست و البته حتی در میان نازیسم هیتلری هم چنین تفسیری از سازوکار قدرت کمتر گفته شده است. او می‌نویسد: «برای فهم مرکزیت آهنین جبهه اصلاحات، کافی است به جمله پایانی راهبرد جبهه اصلاحات در انتخابات آینده توجه کنیم: اعضا نمی‌توانند با عنوان اصلاح‌طلبی و جبهه اصلاحات برخلاف آن اقدام به ارائه لیست کنند، یعنی نه‌فقط "جنبش" اصلاحات محدود به "جبهه اصلاحات" است بلکه "اصلاح‌طلبی" در مالکیت حاکمیت کنونی جبهه است و اگر مصلحانی بخواهند فهرست بدهند باید به نام‌های دیگری که نشانه تنازل آنان از اصلاح‌طلبی است فهرست بدهند. جبهه اصلاحات به صراحت می‌گوید اصلاحات یعنی ما! در واقع در این بند با ادعای رأی اکثریت، جناح اقلیت اصلاحات را نه تنها از فهرست‌دادن به نام بخشی از جبهه اصلاحات، منع کنند بلکه عنوان اصلاح‌طلبی را محدود به خود می‌کند و حتی برای حصول توافق احتمالی در درون جبهه اصلاحات آن را موکول به رأی دوسوم از احزاب می‌کند که با توجه به وجود احزاب کاغذی و احزاب سایه در جبهه اصلاحات عملاً این راه ناممکن است و بدین‌ترتیب به نام تکثر و تنوع حزبی عملاً جبهه اصلاحات بیش از پیش در یک حزب ادغام می‌شود و به جای تبدیل جبهه اصلاحات به یک حزب، یک حزب به جبهه اصلاحات بدل شده است!»

قوچانی برخلاف و در تقابل با عبدی که بیانیه‌نویسان میانه‌رو را نه واقع‌گرا و نه آرمان‌گرا می‌داند، جبهه اصلاحات را متهم می‌کند که «اگر ظرفیت لازم را برای اجماع یا به رسمیت شناخته شدن حقوق و آرای همه اعضای خود داشت، نیازی به این بیانیه نبود.» او «هسته سخت و حزب خاص» جریان اصلاح‌طلبی را که «با تشویق احزاب سایه خود و جبهه‌های استانی به صدور بیانیه انصراف از انتخابات» پرداختند، به نوعی پدرخواندگی و تعصب در جبهه متهم می‌کند که نشان دادند «هیچ نیرویی نمی‌تواند برخلاف اراده برادر یا خواهر بزرگ‌تر جبهه عمل کند!»

جالب آنجاست که به همان اندازه که آقای عبدی معتقد است دنیا آن قدر گشادبازی نیست که «هر رأی دادنی در جبهه اصلاحات به همان معنی مورد نظر آنان تمام شود»، آقای قوچانی نیز جامعه‌محوری موردنظر تندروهای اصلاح‌طلب را کاملاً بی‌معنی می‌داند: «آنچه اساس اصلاحات را می‌سازد، سیاست‌ورزی حرفه‌ای است که در دوگانه کاذب اصلاحات صندوق‌محور و اصلاحات جامعه‌محور به‌عنوان مسئولیت اصلی اصلاح‌طلبان انکار می‌شود. در تمام دو سال گذشته آنچه به نام اصلاحات جامعه‌محور تبلیغ شده است هنوز معنای روشنی ندارد. اگر مقصود از جامعه‌محوری انجام کارهای خیریه است که این کار بیرون از احزاب سیاسی بهتر انجام می‌شود و اگر مقصود تقویت جامعه مدنی است که بدون دولت مدنی امکان تقویت جامعه مدنی وجود ندارد.»

■ اصلاح‌طلبان صلاحیت یکدیگر را تکذیب می‌کنند!

به‌رغم همزمانی انتشار نوشته‌های آقایان عبدی و قوچانی که نشان می‌دهد از نوشته یکدیگر به‌طور مستقیم اطلاعی نداشتند اما مصداق‌های مشخصی نشان می‌دهد این دعوای اصلاح‌طلبی که به رد و انکار و تخطئه و تکذیب یکدیگر مبادرت کردند، در پشت صحنه خیلی دقیق صورت‌بندی شده است. برای همین در مقابل عبدی که با اسم آوردن از کسانی مثل فراستخواه و فاضلی، حضور آنان را در میان اصلاح‌طلبان میانه‌رو عیب بزرگ آنان می‌داند، قوچانی در مخالفت با این ادعا می‌نویسد: «اتفاقاً حضور روشنفکران، سیاست‌دانان و جامعه‌شناسانی مانند محمد فاضلی، مقصود فراستخواه، حمیدرضا جلایی‌پور و الهه کولایی که به هیچ یک از فراکسیون‌های حزبی جبهه اصلاحات تعهد تشکیلاتی ندارند، نشان می‌دهد افرادی که در سال‌های گذشته در بسط حوزه عمومی و جامعه مدنی نقش مهمی داشته‌اند فاصله‌ای میان اصلاحات جامعه‌محور و صندوق‌محور نمی‌بینند.»

قوچانی در نوشته تازه خود برای احزاب پدرخوانده اصلاح‌طلب، همان سیر فاشیستی را که در نوشته چند ماه پیش خود ترسیم کرده بود، یادآور می‌شود و می‌نویسد: «متأسفانه این طرز تفکر تمامیت‌خواهانه از حزب توده به چریک‌های فدایی و از آنان به مجاهدین‌خلق [منافقین] و از ایشان به برخی احزاب اصلاح‌طلب به ارث رسیده است که همه مصلحان باید از یک مرکزیت پیروی کنند و به نام مخدوش‌نکردن وحدت هر حرکتی که خلاف دستورالعمل آن پولیت‌بوروی پنهان عمل کند سکتاریستی، تفرقه‌افکنانه و حتی خائنانه است.... این دقیقاً همان نقدی است که جنبش اصلاحات به حکومت دارد.» | بقیه در صفحه ۲

۲ سامانه ضدبالستیک و پدافند هوایی رونمایی شد

دست بلند ایران با «آرمان» و «آذرخش»

■ موشک‌های به‌کار رفته در سامانه پدافند هوایی آرمان از نوع صیاد-۳ است که قابلیت مقابله همزمان با شش هدف را در فاصله‌های ۱۲۰ تا ۱۸۰ کیلومتر دارد. همچنین سامانه آذرخش یک سامانه پدافند هوایی برد کوتاه است که همزمان از رادار و سامانه الکترو اپتیکی برای کشف و رهگیری هدف استفاده می‌کند. این سامانه همچنین می‌تواند در انواع شرایط آب و هوایی تا برد ۵۰ کیلومتری با چهار موشک آماده به شلیک اهداف را شناسایی و منهدم کند | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

حسن رشوند

تقوای سیاسی حلقه فراموش شده انتخابات

این روزها که کمتر از دو هفته به روز سرنوشت ساز انتخابات یعنی ۱۱ اسفند نزدیک می‌شویم شاهد رفتارهایی از سوی برخی کاندیداهای جریان‌های سیاسی و سمپات‌های آنها هستیم که با مبانی دینی در رعایت اخلاق و تقوای سیاسی منافات دارد. انتشار برخی افشاگری‌ها که اساساً یا وجود خارجی نداشته یا اگر هم وجود داشته، حداقل انتشار آنها در این روزهای منتهی به برگزاری انتخابات بیش از آنکه کمک کننده برای شناخت مردم نسبت به کاندیداها باشد، ضربه به اصل انتخابات و خدای نکرده دلسرد کردن مردم از حضور پای صندوق‌های رأی است که یقیناً با اصل رعایت تقوا منافات دارد | صفحه ۲

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

دموکراسی و حاکمیت از نگاه امریکا و صهیونیسم

دموکراسی از نگاه صهیونیسم و امریکا این نیست که یک اکثریت اجتماعی و مردمی خواستار چیزی باشند یا حاکمیت خود را تعیین کنند. از نگاه صهیونیسم و امریکا حتی در کل فلسطین یک رفراندوم از تمام کسانی که به این سرزمین تعلق دارند قابل قبول نیست و نظام نژادپرست و تحمیلی مورد حمایت کشورهای استعماری اروپا و امریکا، مشروعیت دارد. امروز یکی از چالش‌ها و مشکلات امریکا و اسرائیل در چگونگی پایان جنگ و آینده حکومت در غزه این است که با یک اقلیت از مزدوران حاکم بر کشورهای عربی که از پروژه‌ای غیر دموکراتیک حمایت می‌کنند، بایدها و نبایدها را به اجرا بگذارند | صفحه ۱۵

یادداشت حوادث

حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

فرجام اعتماد راحت

ضرب‌المثل معروف «پنیر مفت فقط در تله موش پیدا می‌شود» به خطری اشاره دارد که ماهیتی جز تعدی به حقوق دیگران ندارد. مالک شرکت «کوروش کمپانی» درست به همین شیوه اعتماد قربانیانش را جلب کرد و در نهایت با مبلغی که رقم آن ۲ هزار میلیارد تومان اعلام شده فرار کرد. با این حال رقم اصلی کلاهبرداری هنوز از سوی مراجع رسمی اعلام نشده است | صفحه ۱۴

یادداشت ورزشی

شیوا نوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

مدیریت نمایشی و قراردادهای پرابهام فوتبال

در روزهایی که همه سرگرم حضور تیم‌ملی در جام ملت‌های آسیا بودیم، چند بازیکن جدید به لیگ ایران اضافه شده‌اند و قراردادهای عجیبی نیز به ثبت رسیده است. ضمن اینکه ابهامات قراردادهای قبلی نیز به قوت خود باقی است. ارقام دستمزدها و همچنین نحوه پرداخت آنها اخیراً در مستطیل سبز ایران سروصدا به پا کرده، منتها با چند اظهارنظر جنجالی همه حواس‌ها پرت شده و کمتر کسی حواسش به این مسئله است | صفحه ۱۳

۱۲ روز تا انتخابات

چه خبر

۱۰۳ حزب و ۲۰ ائتلاف آماده شرکت در انتخابات

پیش بینی حضور حداکثری مردم

انتخابات مهم‌ترین روش تقویت مسیر جمهوری اسلامی

مطهری: مستقل هستیم اصلاح‌طلبان: حمایت می‌کنیم

پایداری دنبال ائتلاف با شورای ائتلاف

فهرست امناء فردا نهایی می‌شود

صفحه ۲

تحقق گام دوم در گرو سه‌گانه امید، اعتماد و تعهد است

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی ذوعلم به انگیزه پنجمین سالگرد صدور بیانیه گام دوم انقلاب

● حسن فرامرزی | گروه گفت‌وگو

صفحات ۸و۹

۷

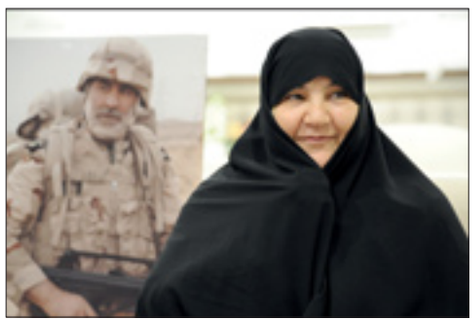

گفت‌وگوی «جوان» با همسر و دختر سردار شهید نورعلی شوشتری

می‌گفت مسئولیم پس خواب بر ما حرام است

● شکوفه زمانی

۶

گفت‌وگوی «جوان» با فرزند شهیده سیده صغری حسینی‌فرد از شهدای حادثه تروریستی کرمان

من هم به دنبال شهادتم!

● صغری خیل فرهنگ | خبرنگار گروه ایثار و مقاومت

۱۴

شلیک پلیس به قاتل پس از قتل ۱۲ عضو خانواده‌اش

■ ساعت ۴:۳۰ بامداد روز گذشته، اهالی روستای مزرعه شهرستان فاریاب در استان کرمان با شنیدن صدای تیراندازی پیاپی از خانه بیرون دویدند. آنها با دیدن پسر ۳۰ ساله خانواده که با اسلحه کلاشینکف در حال فرار بود او را تعقیب کردند، اما مرد مسلح با زخمی کردن سه نفر از آنها از محل متواری شد. با حضور پلیس مشخص شد مرد مسلح، ۱۲ عضو خانواده از جمله پدر و خانواده همسر دوم پدرش را با شلیک گلوله هدف قرار داده و به کام مرگ کشانده است